

نقش جنبش‌های ترجمه در شکل‌گیری رنسانس در اروپا: معرفی جنبش ترجمه تولدو

علیرضا امیدبخش*

استادیار زبان انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۲)

چکیده

رویکرد تاریخ نگاران غربی در نگارش تاریخ دوره رنسانس در اروپا که آن را «تولد» دوباره علمی، فرهنگی، هنری، دینی، ادبی، سیاسی، و اقتصادی می‌دانند، رویکردی خالی از خطا و لغزش نیست و جمله معروف «تاریخ را فاتحان می‌نویسند» را به یاد می‌آورد، چرا که در خوانشی که از تاریخ این دوره دارند، به تلاش دیگران در دوران گذشته کمتر توجه می‌کنند. گویا رنسانس آغاز تمام تحولات در دنیا بوده و پیش از آن هیچ اتفاقی نیفتاده و یا هیچ تلاشی صورت نگرفته است. این جستار بر آن است تا با تمرکز بر چگونگی توسعه تاریخی جنبش ترجمه تولدو به اهمیت نقش دنیای اسلام و جنبش‌های ترجمه در شکل‌گیری رنسانس و تحولات مرتبط با آن و چگونگی ایجاد جریان‌های مختلف علمی و فرهنگی و سیر آنها از دنیای اسلام به اروپا بپردازد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که زیست چند فرهنگی، کثرت زبانی و جو سیاسی مطلوب چگونه باعث می‌شود تا شهر تولدو به مرکزی برای شکل‌گیری جنبش ترجمه تبدیل شده و در آن جمعی از دانشمندان با ترجمه آثار مختلف راه را برای پیشرفت و توسعه علوم در حوزه‌های متنوع علمی برای دوران بعدی هموار سازند.

کلیدواژه‌ها: اسلام؛ تولدو؛ اسپانیا؛ جنبش ترجمه؛ مدرسه مترجمین؛ رنسانس.

۱. مقدمه

واژه رنسانس ریشه در زبان ایتالیایی^۱ (Treccani, 2020) و فرانسوی^۲ (Larousse, 2011) دارد و متشکل از پیشوند re- به معنی «دوباره»^۳ و ریشه naissance به معنی «زایش»^۴ و «تولد» است. لغت‌نامه دهخدا برای رنسانس برابر آن «احیا»^۵، «بازگشت به زندگی»^۶، «اعاده حیات»^۷، «تولد جدید»^۸ و «تجدید حیات»^۹ را قرار می‌دهد. «دوره تجدید حیات»، «دوره نوزایی» و یا «دوره نوزایش» معادل‌های فارسی رنسانس هستند و به دوره‌ای اطلاق می‌شود که در اروپا، پس از پایان قرون وسطی، از قرن چهاردهم میلادی آغاز و تا قرن هفدهم ادامه پیدا می‌کند. معمولاً گفته می‌شود که رنسانس در اواخر قرن چهاردهم در ایتالیا آغاز شده و از قرن پانزدهم و قرن شانزدهم از ایتالیا به سایر کشورهای اروپای غربی رسیده است (Mikics, 2010: 260; Cuddon, 2014: 598; Abrams, 2015: 338). در این دوره هنرهای نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری و ادبیات به سطحی از شکوفایی رسیده‌اند که در هیچ عصری نظیر آن دیده نشده است (Abrams, 2015: 338). تلاش‌های بسیاری برای ارائه تعریفی موجز برای رنسانس صورت گرفته است، اما شاید بتوان آن تعاریف را این گونه در یک جمله خلاصه کرد. «رنسانس تولد دنیای مدرن از خاکستر دوران تاریکی،

1. Rinàscere
2. Renaissance
3. Again
4. Birth
5. Renewal
6. Reawakening
7. Revival
8. New birth
9. Rebirth

به عنوان کشف جهان و کشف انسان؛ و به عنوان عصر ظهور بی حد و مرز فردگرایی در زندگی، اندیشه، دین و هنر است» (Abrams, 2015: 338).

۱-۱. از قرون وسطی تا رنسانس: فرآیندی پیوسته یا دوره‌های گسسته تاریخی؟

در دوره رنسانس علاقه وافری به دانش و ارزش‌های کلاسیک یونان و روم باستان پدید می‌آید. همچنین، دنیا شاهد کشف و اکتشاف قاره‌های جدید، جایگزینی کیهان‌شناسی کوپرنیکی به جای بطلمیوسی، زوال نظام فئودالی و رشد تجارت و اختراع یا به‌کارگیری نوآوری‌های قدرتمندی مانند کاغذ و صنعت چاپ بود. با این حال، به سختی می‌توان باور کرد که تمام این رویدادها به یک‌باره همچون انفجاری رخ داده‌اند. اخیراً، برخی از مورخان بر این باورند که پیداکردن ویژگی‌های مشابه این دوران در افراد و مکان‌های مختلف در قرون وسطی نیز ممکن بوده است و همچنین، بسیاری از این ویژگی‌ها از قرون وسطی وجود داشته و تا دوره رنسانس نیز تداوم یافته و در نهایت وجود دوره‌ای به نام رنسانس را انکار کرده‌اند (Abrams, 2015: 338). این نظر تردیدآمیز نسبت به وجود دوره‌ای به نام رنسانس تذکری از این باب است که تاریخ همیشه فرآیندی پیوسته است و وجود «دوره‌های» تاریخی صرفاً ابداع مورخان است. با وجود این، تقسیم پیوستار زمانی به بخش‌های نامگذاری‌شده باعث سهولت در مباحث تاریخی می‌شود (Abrams, 2015: 338). ژاک لگاف بر این باور است که «دوره‌بندی» تاریخی و «بریدن زمان به تکه‌های کوچک» قطعاً «خنثی» و «مبرا» از تعصب نیست و اغلب، تاریخ‌نگاران با تبعیض و مهم‌تر جلوه‌دادن بعضی از دوره‌ها نسبت به دوره‌های دیگر این کار را انجام می‌دهند

(Le Goff, 2009: 2). با تکیه بر همین باور می‌توان دریافت که بی‌شک بین دوران جهل و تاریکی و پس از آن رنسانس از یک سو و عصر طلایی مسلمانان از سویی دیگر ارتباطی نزدیک وجود داشته است (Haskins, 1933: 4) و جنبش‌های ترجمه در بغداد، سیسیلی^۱ و تولدو^۲ نقش بسیار مهمی در برقراری این ارتباط و شکل‌گیری تحولات دوره رنسانس اروپا داشته‌اند.

۲-۱. جنبش ترجمه بغداد

شاید اغراق نباشد اگر بگوییم اهتمام به یادگیری، آموزش، ترجمه و همچنین، تأسیس مدارس ترجمه از سنت‌های اصیل مسلمانان بوده است، چرا که مهم‌ترین مدارس ترجمه معمولاً در سرزمین‌های مسلمانان تأسیس شده‌اند. جنبش ترجمه در بغداد، مدرسه‌های ترجمه تولدو، مورسیا و سویل در اسپانیا، مدرسه ترجمه پالمو در پادشاهی سیسیل در جنوب ایتالیا، همگی بخشی از شبکه مراکز ترجمه بودند که کار آنها ترجمه و انتشار آثار متنوع در حوزه‌های مختلف علوم و فلسفه بود. با تأسیس شهر بغداد در سال ۱۴۵ هجری قمری مصادف با ۷۶۲ میلادی، به دست منصور دوانیقی، خلیفه عباسی، جنبش ترجمه بغداد با تلاش خاندان ایرانی برمکیان پس از گذشت سه سال در این شهر شکل گرفت (Gutas, 1998: i). برمکیان در زمان هارون الرشید و فرزندش مأمون بیت‌الحکمه یا خانه حکمت را بنا نهادند که در آن تعداد زیادی از متون علمی از زبان فارسی میانه یا پهلوی و سپس از هندی، سریانی و یونانی به عربی ترجمه شدند. روزبه پور داوودیه، معروف به ابومحمد عبدالله ابن مقفع، از نام‌آورترین نویسندگان و

1. Sicily

2. Toledo

مترجمان این جنبش بود که از میان ترجمه‌های او از فارسی میانه به عربی می‌توان به کلیله و دمنه، تاجنامه انوشیروان، آیین‌نامه، سخنوری بزرگ (الأدب الکبیر) و سخنوری خرد (الأدب الصغیر) اشاره کرد. به گفته دیمیتری گوتاس^۱، استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه ییل در کتاب اندیشه یونانی، فرهنگ عربی در اواخر قرن دهم میلادی تقریباً تمامی آثار علمی و فلسفی یونان باستان در حوزه‌های مختلف از جمله اخترشناسی، شیمی، فیزیک، ریاضی، طب و فلسفه به عربی ترجمه شده بودند (Gutas, 1998: i). در جایی که مسلمانان در بغداد و دیگر مدرسه‌های ترجمه با جدیت تمام مشغول یادگیری و ترجمه علوم مختلف در تمامی حوزه‌های علوم و فلسفه بودند، به گفته گوتاس، شهرهای اروپا همچون بیزانس که پایتخت امپراطوری روم شرقی بود، در «عصر تاریکی» به سر می‌بردند و از نیمه قرن هفتم میلادی تقریباً هیچ علاقه‌ای نسبت به مطالعه و انتشار آثار غیرمذهبی وجود نداشت (Gutas, 1998: 177)، اما با آغاز قرن دهم میلادی فعالیت‌های علمی به تدریج آغاز شدند و «دوره نوزایی» با نام «اولین اومانیسیم بیزانس»^۲ را پایه نهادند (Gutas, 1998: 177). اگر چه پل لامرل^۳ بر این باور است که این شکوفایی یا نوزایی تحت تأثیر مسلمانان نبوده است، اما گوتاس به وضوح این نظریه را مردود می‌شمارد و اذعان می‌دارد که «بیزانسی‌ها از جنبش‌های علمی ترجمه در بغداد کاملاً آگاهی داشته‌اند و آشکارا تحت تأثیر آنها قرار گرفته‌اند» (Gutas, 1998: 178).

-
1. Dimitri Gutas
 2. First Byzantine Humanism
 3. Paul Lemerle

۱-۳. جنبش ترجمه سیسیلی

جنبش ترجمه سیسیلی را در دو دوره می‌توان بررسی کرد. دوره اول از سال ۱۱۴۰ تا ۱۱۵۴ میلادی تحت پادشاهی راجر دوم و دوره بعدی از سال ۱۱۵۴ تا ۱۱۶۶ تحت پادشاهی پسر او ویلیام اول است. هر دو پادشاه در دوران حکومت خود با تکیه بر مدارا و رواداری نسبت به مسلمانان، فضای سیاسی و فرهنگی‌ای را فراهم کردند که باعث رشد و شکوفایی علوم مختلف شد. مسلمانان در دربار و حتی در دادگاه‌ها نیز دارای مشاغل مختلفی بودند (Birk, 2017: 4). چنین فضای چندفرهنگی که در سیسیلی حاکم بوده، همیشه تاریخ‌نگاران را بر آن داشته است تا از این شهر به عنوان الگویی برای همزیستی میان ادیان و فرهنگ‌های مختلف نام ببرند و آن را بستانند (Birk, 2017: 4). چارلز هومر هسکینز سیسیلی را «اولین دولت مدرن و شهر مدارای مذهبی، تبادلات فرهنگی و رویای عینیت یافته‌ی همزیستی مسالمت‌آمیز^۱ می‌داند» (Birk, 2017: 4). سیسیلی در آن زمان شهری سه‌زبان بود که در آن مدارک سلطنتی، نمادها و کتیبه‌های حکومتی همه به سه زبان لاتین، یونانی و عربی بودند (Molinini, 2009: 195). ترجمه آثار نیز به این سه زبان انجام می‌شد. از مترجمان مشهور این جنبش می‌توان به هنری آریستپوس و دریاسالار یوجینیوس اشاره کرد (Molinini, 2009: 195). آریستپوس در سال ۱۱۵۶ میلادی فیدو و منو افلاطون را از یونانی به لاتین ترجمه کرد و یوجینیوس در سال ۱۱۶۲ کلیله و دمنه را از عربی به یونانی ترجمه کرد (Molinini, 2009: 195). در ادامه، به معرفی جنبش ترجمه تولدو و جایگاه آن در زمینه‌سازی‌های علمی فرهنگی رنسانس می‌پردازیم.

۲. بحث و بررسی: جنبش ترجمه تولدو

جنبش تولدو یا جنبش مترجمان تولدو^۱ به جنبشی اطلاق می‌شود که در آن گروهی از دانشمندان قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی در شهر تولدو با همکاری یکدیگر بسیاری از مهمترین آثار فلسفی و علمی را از عربی به لاتین و بالعکس ترجمه کردند. آثار اندیشمندان مسلمان همچون ابن سینا، فارابی، کندی به لاتین و آثار اندیشمندان یونان باستان از جمله افلاطون، ارسطو، بقراط، جالینوس، اقلیدس و بطلمیوس به عربی در این مدرسه ترجمه شدند. جنبش ترجمه تولدو نزدیک به چهار قرن پس از جنبش ترجمه بغداد در ایران که بین قرون هشت تا ده میلادی فعال بود کار خود را شروع کرد که این حاکی از پیشتازی مدرسه ترجمه بغداد، ایرانیان و مسلمانان در این زمینه است. اکثر مورخان بر این باورند که فرهنگ و تمدن اسلامی از قرن هشتم تا یازدهم میلادی در اوج شکوفایی بوده و نقش واسط را در انتقال تمدن یونانی به اروپای قرون وسطی به عهده داشته است (قریشی، ۱۳۹۴: ۳۴). جرج سارتن^۲، مورخ تاریخ علم می‌نویسد (Minowa, 1990: 54):

«در نیمه نخست قرن دوازدهم میلادی، در اروپا سه جریان مهم در ترجمه وجود داشت: از عربی به لاتین، از عربی به عبری و از یونانی به لاتین. جریان اول، یعنی از عربی به لاتین مهم‌تر و به لحاظ کمی بزرگتر از دو جریان دیگر بود و مبین دانش‌آموزی اروپای غربی از تمدن اسلامی است. جریان دوم نشان می‌دهد که تمدن اسلامی نزد یهودیان اروپای مسیحی مقبولیت داشته است و جریان سوم حاکی از دانش‌آموزی بی‌واسطه‌ی اروپای غربی از تمدن یونانی است.»

1. Escuela de traductores de Toledo
2. Sarton, George

شهر تولدو واقع در مرکز اسپانیا، در کرانه رود تاخو، مرز بین جهان مسیحی و جهان عرب بود و به دلیل موقعیت استراتژیک خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. در سال ۱۰۸۵ میلادی این شهر توسط مسیحیان از سیطره مسلمانان خارج و به کانونی بدل شد که دانش مسلمانان عرب را — که خود ترکیبی از یونانی، فارسی و هندو بود — به اروپای مسیحی انتقال داد (Haskins, 1933: 14). برای آشنایی با محیط فرهنگی حاکم بر تولدو در آن زمان باید تاریخ اسپانیا را از قرن هفتم میلادی که زمان ورود اعراب به اسپانیا است، مطالعه کرد. در سال ۷۱۱ میلادی اعراب شهر تولدو یا تولتوم^۱ (به لاتین) را که اولین پایتخت هیسپانیا، پادشاهی ویزیگوت‌ها^۲ بود، فتح کردند (Ibn al-Qutiyah, 2011: 49)، اما شهرت فرهنگی این شهر به قرن ششم میلادی برمی‌گردد که در آن زمان نوعی از تجدید حیات هنری و ادبی را تجربه کرده بود، هر چند با تصمیم شورای سوم^۳ تولدو در سال ۵۸۹ میلادی و به طبع آن آزار و اذیت‌های یهودیان و اجبار آنها به پذیرفتن دین مسیحیت، این شهرت تحت‌الشعاع قرار گرفت (Tejada, 1850: 25). بنابراین، از سال ۵۸۹ تا قرن هجدهم میلادی است که تولدو تبدیل به پایتخت سیاسی پادشاهی می‌شود که در آن کلیسا و دولت هویت واحدی را تشکیل دادند.

1. Toletum

۳. ویزیگوت‌ها در کنار او ستروگوت‌ها دو شاخه اصلی گوت‌ها را تشکیل می‌دادند و هر دو از اقوام ژرمن‌های غربی بودند. استقرار ویزیگوت‌ها در شبه جزیره ایبری به قرن ششم میلادی بازمی‌گردد و با حمله مسلمانان در سال ۷۱۱ میلادی به اتمام می‌رسد.

۴. شوراها تولدو به جلسات تصمیم‌گیری سیاسی و حقوقی حاکمیتی اطلاق می‌شد که با محوریت نهاد کلیسای کاتولیک در پادشاهی ویزیگوت‌ها برگزار می‌گردید. سومین شورای تولدو در سال ۵۸۹ میلادی و آخرین و یا هجدهمین شورا در سال ۷۰۲ میلادی برگزار شد. شورای سوم تولدو در زمان سلطنت رکاردو (۶۰۱-۵۸۶) برگزار شد که یکی از مهمترین تصمیم‌های اتخاذ شده در آن شورا رسمیت یافتن مسیحیت کاتولیک به عنوان دین رسمی و اجباری پادشاهی ویزیگوت بود.

حضور اعراب در خاک اسپانیا که هفت قرن به طول انجامید و طی آن با همکاری مسلمانان، مسیحیان و یهودیان تمدن اندلس^۱ شکل گرفت، در سه برهه^۲ مختلف می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. شهر کوردوبا^۳ که اعراب آن را قرطبه می‌نامیدند (Ibn al-Qutiyah, 2011: 49)، تحت سلطه بنی‌امیه، با داشتن کتابخانه‌ای غنی که به دستور خلیفه حکم دوم (۹۷۶-۹۱۵) در قرن دهم، با جمع‌آوری چندین هزار جلد کتاب از سراسر جهان توسط نمایندگان او در اسکندریه، قاهره، بغداد و دمشق تاسیس شد، به پایتخت فرهنگی تبدیل گشت (Manzano, 2013: 229). خلفایی که بین سال‌های ۹۲۹ تا ۹۷۶ سلطنت می‌کردند، اهتمام ویژه‌ای به جمع‌آوری نسخ خطی داشتند و با مساعدت دانشمندان و مترجمان متون یونانی به عربی، نسخه‌نویسان به جستجو و جمع‌آوری نسخ خطی پرداختند، اما در سال ۱۰۳۱ میلادی، خلافت کوردوبا را بربرها^۳ سرنگون کردند و خلافت اموی تبدیل به پادشاهی و طایفه‌های کوچک با خودمختاری سیاسی، اداری و فرهنگی شد. علی‌رغم سقوط خلافت اموی، همین پادشاهی‌های کوچک نیز به فعالیت‌های فرهنگی و جمع‌آوری نسخ خطی دانشمندان ادامه دادند. در میان این پادشاهی‌های جدید، شهر تولدو یکی از برجسته‌ترین مراکز به شمار می‌رود.

۱. اندلس که در عربی الاندلس و به اسپانیایی Al-Ándalus می‌گویند، نام قلمرو مسلمانان در شبه جزیره ایبریا از سال ۷۱۱ تا ۱۴۹۲ میلادی است.

2. Cordoba

۳. بربرها یا آمازیغ‌ها گروه قومی بیابانگرد و بومی مناطقی از شمال آفریقا به ویژه مراکش، الجزایر، صحرای غربی، تونس و لیبی بودند.

در طول تاریخ طولانی فتح دوباره^۱ مسیحیان، یعنی بین سال‌های ۱۰۸۰ و ۱۱۳۰ میلادی پیروزی‌های مهمی از لحاظ نظامی و سیاسی حاصل شد که از این میان به بازپسگیری والنسیا^۲ در سال ۱۰۹۴ توسط رودریگو دیاز دویوار^۳ و تولدو در سال ۱۰۸۵ توسط آلفونسو^۴ ششم می‌توان اشاره کرد (Guichard, 2001: 77). در این فتوحات، مسیحیان سعی کردند که هویت اسپانیای ویزیگوت را احیا کرده و کوردوبا را به پایتخت فرهنگی اسپانیا تبدیل کنند.

حاکمان محلی جدید همچون پیشینیان عرب خود، سیاست تساهل و تسامح را در سرزمینی متشکل از پادشاهی‌ها و اقوام مختلف با ریشه‌های مختلف سرلوحه خود قرار دادند. این رویکرد به یهودیان اجازه می‌داد در مقابل پرداخت خراج، حق انجام مناسک دینی خود را داشته باشند. اعراب نیز قضات، قوانین، مساجد و مناسک شرعی خود را داشتند. علاوه بر یهودیان و مسلمانان، دو دسته بومی نیز در این سرزمین‌ها ساکن بودند: آن‌هایی که در اندلس بدنیاً آمده و کاملاً عرب بودند و بومیانی که از قبل مسیحی مانده بودند، اما برخی از ویژگی‌های اعراب از جمله عربی سخن‌گفتن را پذیرفته بودند و به عربی به آن‌ها مستعرب^۵ (عرب‌شده) می‌گفتند (Pharies, 2015: 43). علاوه بر این‌ها، در طول قرن یازدهم، بسیاری از کشیش‌های مسیحی که اکثریت آن‌ها فرانسوی بودند به اسپانیا سفر کرده بودند.

کثرت زبانی، چندفرهنگی و جو مناسب سیاسی زیربنای خوبی برای خلق مجموعه‌ای از آثار ترجمه‌شده پدید آورده بود که می‌توان آن‌ها را در دو برهه زمانی بررسی کرد. در دوره اول که از سال ۱۱۳۰ تا ۱۱۸۷ ادامه دارد، آثار فلسفی به

-
1. Reconquest
 2. Valencia
 3. Rodrigo Díaz de Vivar
 4. Alfonso VI
 5. Mozarabic

لاتین ترجمه شد و در دوره دوم، از سال ۱۲۵۲ تا ۱۲۸۷، ترجمه آثار مرتبط با علوم محض غلبه یافت.

۲-۱. مدرسه تولدو

مدرسه ترجمه تولدو تنها یکی از معدود مراکز ترجمه بود که به علت تولید زیاد آثار ترجمه‌شده از مهمترین مراکز ترجمه به حساب می‌آمد. مهمترین مدارس ترجمه معمولاً در مناطقی بودند که توسط مسلمانان تسخیر شده بود. در جنوب ایتالیا، مدرسه ترجمه پالمو و در پادشاهی سیسیل و شبه جزیره ایبریا، مدارس ترجمه سویل و مورسیا، که در قرن سیزدهم تأسیس شده بودند، از مهمترین این مدارس بودند که به نوعی ادامه‌دهنده فعالیت‌های مدرسه تولدو شمرده می‌شدند و همگی بخشی از شبکه مراکز ترجمه و صومعه‌هایی بودند که کار آن‌ها انتشار ترجمه‌های دست‌نوشته از عربی به لاتین در سراسر قلمرو مسیحیت بود.

افرادی که در این مراکز به ترجمه مشغول بودند، فقط از تولدو و یا شبه جزیره ایبریا نبودند، بلکه از کشورهای مختلف همچون انگلیس، فرانسه و ایتالیا به تولدو آمده بودند. از این میان، تعداد انگلیسی‌ها در ایبریا در طول قرن دوازدهم میلادی خیلی بیشتر بود. از مشهورترین آن‌ها می‌توان به ادلارد باثی^۱ اشاره کرد (Kritzeck, 1964: 51). از مترجمان فرانسوی که از منطقه معروف به گال از فرانسه آمده بودند مارک تولدویی^۲، دانشجوی پزشکی در مونپلیه فرانسه شاید از بقیه مشهورتر باشد (Kritzeck, 1964: 111). از میان ایتالیایی‌ها نیز به جرارد کرمونایی^۳ می‌توان اشاره

1 Adelard of Bath

2 Mark of Toledo

3 Gerard of Cremona

کرد (MacKay, 1999: 86). از دالماسی (که اکنون کشور کرواسی است) نیز نام هرمان دالماسیایی^۱ قابل توجه است (Kritzeck, 1964: 32). در نهایت، علاوه بر این افراد، دانشمندان، مترجمان و مسافران زیادی برای یادگیری علوم عربی که از عربی به لاتین ترجمه شده بود، از کشورها و مناطق مختلف به آنجا می‌آمدند.

تنوع آثاری که ترجمه می‌شدند به اهداف و نیازهای مختلف مترجمان و مخاطبان بستگی داشت. به عنوان مثال، برای رامون پنیافورتی^۲ (۱۱۷۵-۱۲۵۷) که یک روحانی دومینیکن بود، مطالعه آثار کلاسیک در الهیات برای آموزش به کشیش‌های جوان ضرورت و الویت داشت (Kritzeck, 1964: 53). در حالی که برای پدرو ارجمند^۳ (۱۰۹۲-۱۱۵۶)، رییس راهبان^۴ صومعه کلونی^۵ در فرانسه، که باور داشت جنگ فقط در میدان نبرد نیست و باید از مذهب به دشمن تسلط و غلبه پیدا کرد، متون مذهبی در مورد اسلام و مسلمانان بود که اهمیت زیادی داشت. به همین دلیل، به تولدو سفر کرد و ترجمه رساله^۶ عبدالملک ابن اسحاق کندی^۷ را که یک مسیحی عرب بود، به یکی از اساتید ترجمه سفارش داد (Kritzeck, 1964: 31).

بر مبنای زبان‌هایی که برای ترجمه متون عربی استفاده می‌شدند و همچنین نقش کلیسا و شاه آلفونسو^۸ دهم، تاریخ دویست ساله مدرسه ترجمه تولدو یعنی از ابتدای قرن دوازدهم تا اواخر قرن سیزدهم را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد. در

1 Herman of Dalmatia

2 Ramon of Penyaforte

3 Peter, the Venerable

4 Abbot

5 Cluny

۶ Apology of al-Kindi: رساله‌ای است شامل مجادلات مذهبی با تکیه بر شبهاتی که در دین اسلام وجود دارد.

۷. با فیلسوف مشهور، ابویوسف ابن اسحاق کندی (۸۷۳-۸۰۱) اشتباه نشود.

8. Alfonso X of Castile

دوره اول، اسقف اعظم تولدو رایموند^۱ (۱۱۲۵-۱۱۵۲)، مسئول نگهداری مرکزی در کلیسای جامع تولدو بود که سازماندهی و اجرای اصلاحات کلیسا را که به آن اصلاحات گرگوری^۲ می‌گفتند و از قرن یازدهم به دستور پاپ گرگوری هفتم^۳ شروع شده بود، به عهده داشت (MacKay, 1999: 86). یکی از نگرانی‌های اصلی آن زمان، آموزش اندیشمندان و نخبگانی بود که بتوانند کلیسا را رهبری کنند. برای این منظور کلیساهای جامع و اسقف‌ها باید فعالیت‌هایی را برای آموزش و پرورش نخبگانی طراحی می‌کردند که از مناطق و کشورهای مختلف به تولدو می‌آمدند، چرا که پس از فتح تولدو توسط مسلمانان کتابخانه‌های زیادی در این شهر تاسیس شده بود که مملو از نسخ خطی ارزشمندی بودند و مطالعه آنها یکی از اهداف آموزشی کلیساهای جامع بود.

شهر تولدو دربرگیرنده گروه‌های فرهنگی زبانی متنوعی همچون زبان‌های رومی^۴ (از جمله ایتالیایی، اسپانیایی، پرتغالی و فرانسه)، عربی و عبری بود. بخش قابل توجهی از ساکنان این منطقه به دو و سه زبان تکلم می‌کردند. هنگامی که در سال ۱۰۸۵ شهر سقوط کرد، اکثریت عرب به سایر استان‌های جنوبی اندلس یا آفریقای شمالی عقب نشینی کردند (Le Goff, 2009: 74)، هرچند علی‌رغم خروج آنها، ارتباط با زبان عربی همچنان ادامه داشت و توسط مستعرب‌ها و یهودیان صحبت می‌شد. بنابراین، این دو گروه کسانی بودند که در مراکز ترجمه کار می‌کردند و متون را به عربی می‌خواندند و آن را به صورت شفاهی به زبان‌های رومی، یا لاتین عامیانه ترجمه می‌کردند. در همین حین، مترجم دومی آن را به لاتین کلیسایی یا

1. Don Raymond, Archbishop of Toledo
2. Gregorian Reforms
3. Gregory VII
4. Romance languages

ایتالیایی^۱ ترجمه می‌کرد. به عبارتی، یک اثر توسط دو مترجم ترجمه می‌شد و در چنین مواردی زبان لاتین حلقه واسط انتقال دانش بود.

دوره دوم اختصاص به مدرسه مترجمین آلفونسوی دهم دارد که از سال ۱۲۵۲ شروع می‌شود و تا پایان قرن سیزدهم ادامه پیدا می‌کند و در مقایسه با دوره قبلی اطلاعات بیشتری در مورد آن وجود دارد. مانند دوره اول، دو مترجم نسخه‌های خطی عربی را ترجمه می‌کرده‌اند: یکی آنها را به زبان‌های رومی و دیگری به لاتین ترجمه می‌کرده که این مترجم دوم نقش یک منشی را داشته است، برخلاف مترجمین دوره اول که دانشمند بودند (Bistué, 2020: 120). از آنجا که جمعیت دانشمندانی که به تولدو می‌آمدند، به حداقل رسیده بود، نماینده‌ای از دربار که باسواد و فرهیخته بود، جایگزین آنها می‌شد. ویژگی مهم دیگر این دوره این است که ترجمه به زبان‌های بومی، همچون اسپانیایی و فرانسوی شروع شد (Bistué, 2020: 122). به عبارت دیگر، کلیسا جایگاه ویژه خود را برای فرهنگ‌سازی در اختیار دیگران قرار می‌دهد، اگرچه این جایگاه را به صورت کامل رها نمی‌کند و زبان لاتین تا اواسط قرن نوزدهم همچنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲-۲. مترجمان مدرسه تولدو

در قرن دوازدهم که ترجمه به چند زبان انجام می‌شد، پدیده دوزبانگویی^۲ رایج میان دانشمندان از مهمترین مسائل ترجمه بود، چرا که با در نظر گرفتن زبان عامیانه از یک سو و زبان نوشتاری یا کلاسیک از سوی دیگر، کار ترجمه در زبان‌های عربی، لاتین و دیگر زبان‌ها مشکلات بیشتری داشت. به عنوان مثال، در بسیاری از ترجمه‌ها که

1. Ecclesiastical or Italian Latin

2. Disglossia

عربی زبان مبدأ و لاتین زبان مقصد بود، اسپانیایی بومی، زبان واسطه برای ترجمه بود. مشکلی که در چنین مواردی وجود داشت این بود که مترجم یهودی یا مستعرب متن نوشتاری عربی را با زبان بومی و محاوره‌ای به صورت شفاهی ترجمه می‌کرد. از طرف دیگر، مترجمی که این ترجمه شفاهی را مکتوب می‌کرد، باید آن را به لاتین نوشتاری یا کلاسیک می‌نوشت. با توجه به این که اکثر این مترجمان اسپانیایی بودند، بالطبع به زبان اسپانیایی بومی تسلط داشتند نه لاتین نوشتاری. از این رو، ترجمه آثار در فضای چندزبانی آن دوره، حداقل، با دو نوع دوزبانگونی مواجه بود، زیرا کسی که ترجمه را به صورت شفاهی انجام می‌داد، آشنایی به زبان نوشتاری عربی نداشت و کسی که ترجمه شفاهی را می‌نوشت، آشنایی به زبان نوشتاری لاتین نداشت. علاوه بر این مشکل، تفاوت روش در خواندن عربی که از راست به چپ و لاتین که برعکس بود، مزید بر علت می‌شد. در نتیجه، پرداختن به این مشکلات خود بخشی از دانش و یادگیری در ترجمه آثار آن زمان بود.

در دوره اول مدرسه تولدو، که زیر نظر اسقف اعظم، ریموند تولدویی تاسیس شد، مرکز ترجمه تولدو با مدیریت دومینگو گوندیسالوو^۱ (۱۱۱۰-۱۱۸۱)، اسقف اعظم کونلار^۲ شکل گرفت و بین سال‌های ۱۱۳۰ تا ۱۱۸۰ خوان آونداد اسپانیایی^۳ که به او جان سویلی^۴ هم می‌گفتند، با گوندیسالوو همکاری کرد (Bistué, 2020: 121). جالب است که او در ابتدا عربی نمی‌دانست، اما با تلاش و پشتکار به جایی رسید که کتاب *متافیزیک*^۵ ابن سینا را ترجمه کرد. از دیگر آثار ترجمه‌شده توسط

1. Domingo Gundisalvo

2. Cuellar

3. Juan Avendaud of Spain

4. John of Seville

5. Metaphysics

گوندیسالوو می توان به کتاب *احصاء العلوم*^۱، *عیون المسائل*^۲، *رساله فی ماهیه العقل*^۳، *تحصیل السعادة*^۴ فارابی، رساله در باب عقل^۵ از اسکندر افروسیسی^۶، کتاب تعاریف^۷ از اسحاق ابن سلیمان اسرائیلی^۸ اشاره کرد (Bistué, 2020: 121). علاوه بر آثار ترجمه شده، گوندیسالوو پنج رساله نیز نوشته است که عبارتند از: حرکت گروهی جهانی^۹، در باب وحدت^{۱۰}، در فنانا پذیرگی^{۱۱}، در باب روح^{۱۲} و طبقه بندی علوم^{۱۳} که مهمترین اثر وی محسوب می شود.

خوان آونداد^{۱۴} اسپانیایی، یهودی مسیحی شده، که از سال ۱۱۳۰ همکاری خود را با مرکز ترجمه تولدو شروع کرد، یکی از مهمترین نمایندگان یهودیان در انتقال اندیشه های یونانی - عربی به غرب بود. بارزترین آثار فلسفی ترجمه شده او عبارتند از: کتاب *فی ماهیه العقل و الإیانه عنه*^{۱۵} ابو یوسف ابن اسحاق کندی، کتاب

-
- 1 .De scientiis
 2. Fontes questionum
 - 3 .De intellectu
 - 4 .Liber excitativus ad viam felicitatis
 - 5 .De intellectu
 - 6 .Alexander of Aphrodisias
 - 7 .Liber de Definicionibus/Definitionibus
 - 8 .Isaac Israeli ben Solomon
 - 9 .De processione mundi
 - 10 .De unitate
 - 11 .De immortalitate
 - 12 .De anima
 - 13 .De divisione philosophiae
 - 14 .Juan Avendaud of Spain
 - 15 .De intellectu

احصاءالعلوم فارابی، در باب تفاوت بین روح و روان^۱ اثر قسطا بن لوقا^۲، سرچشمه‌های حیات^۳، اثر سلیمان بن گبیرویل^۴ و در باب روح^۵ ابن سینا.

اولین مترجم متون فلسفی جرارد کرمونایی^۶ (۱۱۱۴-۱۱۸۷) بود که بین سالهای ۱۱۶۷ تا ۱۱۷۵ با گروهی از یهودیان و مستعرب‌های چندزبانه آثار بسیار ارزشمندی را ترجمه کردند. وی در مجموع بیش از هفتاد اثر علمی و فلسفی را از عربی به لاتین ترجمه کرد. ترجمه اصول^۷ اقلیدس^۸ از مهمترین ترجمه‌های آغازین متون علمی او بود. از میان ترجمه‌های متون فلسفی می‌توان به این آثار اشاره کرد: متون فلسفه طبیعی ارسطو از جمله: فیزیک، طبیعیات^۹، در کون و فساد^{۱۰}، قانون^{۱۱} ابن سینا؛ متونی در مورد زمان، و شناخت حسی و رشد از اسکندر آفرودیسی، در ماهیت‌های پنج‌گانه^{۱۲}، در باب خواب و رویا^{۱۳}، در تعریف فن برهان منطقی^{۱۴} از آثار ابو یوسف ابن اسحاق کندی، کتاب احصاءالعلوم فارابی و کتاب الاسطقسات^{۱۵} از اسحاق ابن سلیمان اسرائیلی.

1. De differentia inter animam et spiritum
2. Qusta ben Luqa
3. Fons vitae
4. Solomon ibn Gabirol
5. De animae
6. Gerard of Cremona
7. Elements
8. Euclid
9. De naturali auditu tractatus VIII
10. De Generatione et Corruptione
11. Canon
12. De quinque essentiis
13. De somno et visione
14. De ratione
15. De elementis

اولین مترجم خارجی که در تولدو کار می‌کرد، ادلارد بائی^۱ بود که مشهورترین ترجمه او *جداول/اختری*^۲ خوارزمی بود. هرمان دالماسی^۳ نیز *چرخه ستاره‌یاب*^۴ بطلمیوس و دوازده بخش اول هندسه اقلیدس را ترجمه کرد. مترجم دیگر مارک تولدوی^۵ بود، که متولد تولدو بود و عربی را آن جا یاد گرفته بود. وی به واسطه این که دانشجوی پزشکی در مونپلیه فرانسه بود، نسخه‌های خطی پزشکی یونانی بقراط و جالینوس را که در کتابخانه‌های تولدو موجود بودند، از عربی به لاتین ترجمه کرد. کار این مترجمان و سایر مترجمان که به تولدو رفت و آمد داشتند، بازسازی زنجیره ارتباطی بین اندیشه‌های باستان و فرهنگ‌های نوظهور پسا رومی در اروپای غربی بود؛ زنجیره‌ای که به علت تلاطم‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرون پنجم و ششم میلادی شکسته شده بود.

۲-۳. مدرسه ترجمه آلفونسو دهم در تولدو

آلفونسو دهم (۱۲۱۱-۱۲۸۴)، پادشاه کاستیل، لئون و گالیسیا، که به او لقب «حکیم» نیز داده‌اند، شاعر و موسیقیدان بود. چون به هنر و ادبیات علاقمند بود، در دوران سلطنت خود، از ۱۲۵۲ تا ۱۲۸۴، برای حمایت و توسعه آموزش و یادگیری اقدامات شایان توجهی انجام داد. به همین دلیل اقدامات او باعث ارتقاء و بهبود چشمگیری در وضعیت ترجمه در مقایسه با دوره قبل شد. وی علاوه بر آثار ادبی، مجموعه‌ای از آثار علمی و فلسفی را ترجمه کرد. همان‌طور که در بالا اشاره شد، زبان‌های رومی‌تبار صرفاً زبان‌هایی بودند که نقش واسطه داشتند، اما به دستور

1. Adelard of Bath
2. Astronomical tables of Siddhanta
3. Herman of Dalmatia
4. Plansphere
5. Mark of Toledo

آلفونسو دهم ترجمه به زبان‌های رومی‌تبار عامیانه نیز رایج شد. استفاده از زبان عامیانه بومی برای نوشتن که با سنت تثبیت‌شده قبلی در تضاد بود، باعث ایجاد سیاست داخلی قوی و یکدست می‌شد و این حاکی از اراده پادشاه برای وحدت پادشاهی اسپانیا و تحکیم آن در پایگاه‌های متفاوت فرهنگی بود. سنت جدید ترجمه که توسط آلفونسو دهم در دوران سلطنت او پایه‌گذاری شده بود، ریشه در علاقه او به علم و دانش داشت. آثاری که او دستور می‌داد ترجمه کنند، حوزه‌های مختلفی را دربر می‌گرفت: حقوق، تاریخ، علوم، ادبیات، اخترشناسی و حتی سرگرمی. همچنین، در ترجمه آثار این دوره نمونه‌های ترجمه از زبان‌های رومی‌تبار به لاتین یا فرانسوی، ترجمه مجدد یا بازتولید ترجمه نیز به چشم می‌خورد.

تنوع آثاری که تحت حمایت پادشاه قرار گرفته بودند نشان از تمایل او به جذب دانش به ارث رسیده از اعراب، در متن سیاست فرهنگی با تمایلات ملی‌گرایانه بود. نوع آثار ترجمه‌شده حاکی از شکل‌گیری فرآیندی بود که بتواند در تحکیم پایه‌های حکومت و اعمال قدرت شاه به او کمک کند. اکثر ترجمه‌ها از متون عربی بود، اگرچه برخی از آثار زبان‌های لاتین و فرانسوی نیز در بین آن‌ها وجود داشت، اما زبان مقصد در ترجمه‌ها زبان‌های رومی‌تبار بودند که این نشان از نیت ملی‌گرایانه شاه داشت. شاهی که در تمامی روند ترجمه از انتخاب مترجمان، تربیت آنها و انتخاب متون تا بازنگری، تولید و نشر آن‌ها دخالت مستقیم داشت (Fernández-Ordóñez, 2004: 8). دستاوردهای بزرگ آلفونسو دهم در زمینه‌های فرهنگی به حدی حائز اهمیت بودند که به او لقب «حکیم» دادند، اما به اذعان بسیاری، بارزترین ویژگی کار فرهنگی وی ارتباط همزمان با شرق و غرب بود. آن چه در دوران سلطنت او در پادشاهی کاستیل به وقوع پیوست و بسیار شایان توجه است، درآمیختگی فرهنگی بین مسیحیان، مسلمانان و

یهودیان بود. وی علاقه ویژه‌ای به علم اخترشناسی داشت، به گونه‌ای که به او لقب آلفونسو اخترشناس نیز داده‌اند. حمایت‌های او از ترجمه آثار و توسعه علوم مرتبط با اخترشناسی پررنگ‌تر بود. از مهمترین اقدامات او ابداع جداول آلفونسی^۱ در سال ۱۲۷۲ است که در محاسبات اخترشناسی به ویژه در موقعیت‌یابی خورشید، ماه و سیارات کاربرد دارد (MacKay, 1999: 86). علاوه بر اخترشناسی، آلفونسو دهم در تاریخ‌نگاری نیز آثاری مهمی از خود به جا گذاشته است که از آن میان می‌توان به دو کتاب *تاریخ اسپانیا و تاریخ جهان* اشاره کرد که هر دو به زبان‌های رومی تبار نوشته شده‌اند و این حاکی از توجه و حمایت ویژه‌ی وی نسبت به زبان کاستیلی^۲ است (Fernández-Ordóñez, 2004: 10). در شعر نیز، آلفونسو دهم مجموعه‌ای به نام *ترانه‌ها*^۳ سروده است که مشهورترین آنها ترانه‌های مذهبی برای حضرت مریم بوده است. همچنین، آثاری در زمینه‌های فنی از جمله *کتاب‌های ساعت*^۴ که مرتبط با فنون ساخت ساعت است و کتابی نیز در باب شطرنج با عنوان *کتاب‌های شطرنج، تاس‌ها و میزها*^۵ تألیف کرده است (Espinár, Moreno, 2020: 19).

۳. نتیجه‌گیری

تولد اولین شهر بزرگ مسلمانان بود که توسط مسیحیان در سال ۱۰۸۵ میلادی فتح شد و با این پیروزی آلفونسو ششم به حدود چهار قرن حکومت اعراب که از

-
1. Alfonsine tables
 2. Castellano
 3. Cantigas
 4. Los libros del relojio
 5. Los libros de axedrez, dados e tablas

سال ۷۱۲ میلادی شروع شده بود، پایان داد. در این مدت، تولدو یک از مهمترین شهرهای اندلس، پایتخت یکی از مهمترین پادشاهی‌های طایفه‌های موجود در شبه‌جزیره ایبری و کانون اصلی علم و دانش شرقی بود که عرب‌ها آن را اول به زبان مادری و سپس، از طریق نسخ خطی به زبان یونانی به غرب انتقال داده بودند. در میان جنبش‌های ترجمه، جنبش ترجمه تولدو به دلایل ذیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است: (۱) از لحاظ مذهبی، جنبش ترجمه تولدو باعث انتقال اندیشه اسلامی به غرب و تأثیر فراوان آن بر اروپای قرون وسطی و درنهایت، بنانهادن زیرساخت‌های فکری فرهنگی برای دوره نوزایی شد. (۲) از لحاظ فرهنگی، حضور دانشمندان یهودی و آمدن دانشمندان مسیحی اروپایی از کشورها و مناطق مختلف که در جستجوی علم و دانش به تولدو آمده بودند، فضای مساعدی فراهم کرد تا این شهر تبدیل به پلی فرهنگی بین شرق و غرب شود. (۳) از لحاظ علمی، توسعه ترجمه و فعالیت‌های مرتبط با آن در شهر تولدو زیربنای مناسبی برای دانشگاه‌ها، به‌ویژه دانشگاه‌های پاریس، بولونیا و مونپلیه، و برنامه‌های تحصیلی آنها که متمرکز بر تحلیل، بحث و بررسی متون بود، فراهم کرد. از قرن سیزدهم میلادی بهره‌برداری از ترجمه‌های انجام‌شده در تولدو به اوج رسید و جریان‌های مختلف علمی شکل گرفت. در این میان، برجسته‌ترین تأثیرات جنبش ترجمه تولدو در رشته‌های علوم، پزشکی، ریاضیات و اخترشناسی دیده می‌شود که آورده‌های علمی آنها بعدها توسط دانشمندان اروپایی، از جمله گالیله، کوپرنیک، کپلر و نیوتن مورد استفاده قرار گرفتند. علاوه بر این، آن چه جنبش ترجمه تولدو را از دیگر جنبش‌های ترجمه متمایز می‌کند، پایه‌گذاری آموزش فنون ترجمه است. (۴) از لحاظ سیاسی، ساختاری و مدیریتی، آنچه باعث شکوفایی دوره اول و دوم مدرسه و جنبش تولدو شد، وجود حامیان قوی در هر دو دوره تاریخی بود. در

دوره اول، کلیسا توسط اسقف اعظم ریموند و در دوره دوم، حکومت توسط شاه آلفونسو دهم از مدرسه ترجمه تولدو و فعالیت‌های آن حمایت کردند، با این تفاوت که در دوره اول مترجمان دانشمندانی بودند که به صورت مستقل و بیشتر با انگیزه‌های شخصی در خدمت کلیسا بودند، اما در دوره دوم مترجمان و آثاری که باید ترجمه می‌شدند، با سیاست فرهنگی و زبانی از پیش تعریف شده، توسط شاه و حاکمیت برای ایجاد هویت ملی اتخاذ شده بود و تحت نظارت مستقیم شاه انتخاب می‌شدند. (۵) از لحاظ زبانی نیز زبان‌های بومی در دوره دوم، به تدریج جایگاه زبان لاتین را که زبان علم بود، به خود اختصاص دادند. در این مقاله سعی شد تا به صورت اجمالی تاریخ و فعالیت‌های مدرسه تولدو که تنها یکی از مدارس ترجمه قبل از دوره رنسانس بود، معرفی شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که تاریخ فرایندی پیوسته است و رنسانس ادامه‌دهنده جریان‌های علمی است که جنبش‌های ترجمه در عصر طلایی مسلمانان در بغداد، سیسیلی و تولدو ایجاد کردند. اگر چه جنبش ترجمه بغداد بسیار زودتر، نزدیک به چهار قرن پیش از تولدو شروع شده بود، اما ویژگی چشمگیر مدرسه تولدو در کنار پایه‌گذاری آموزش فنون ترجمه، بنانهادن زیرساخت‌های علمی برای توسعه علوم، سیاست‌گذاری هدفمند و مدیریت جریان‌های علمی با حمایت مستقیم حاکمیت و کلیسا، تقویت پل ارتباطی فرهنگی بین شرق و غرب بود.

جا دارد تا پژوهش‌های بیشتری در این زمینه با تمرکز بر دیگر مدارس ترجمه از جمله بغداد و سیسیلی و وضعیت فعلی مدارس ترجمه در این کانون‌ها صورت گیرد. همچنین، الگویی که جنبش ترجمه تولدو در قرون وسطی ارائه کرده است، می‌تواند امروزه راه‌گشای بسیاری از مشکلات و بحران‌های موجود بین فرهنگ‌های

غرب و شرق و نویدبخش تجدید حیاتی دیگر برای جهانیان بر پایه مفاهمه، درک و احترام متقابل باشد.

منابع

- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا*. ۱۶ جلد. تهران: دانشگاه تهران.
- سارتن، جورج. (۱۳۳۷). *مقدمه بر تاریخ علم*. ترجمه غلام حسین صدری افشار. جلد دوم. تهران: شورای پژوهش‌های علمی کشور.
- قریشی، سید محمد حسین. (۱۳۹۴). *درآمدی به تاریخ ترجمه*. تهران: نقش و نگار.
- Abrams, M. H. & G. G. Harpham. (2015). *A Glossary of Literary Terms*. Stamford, CT, CENGAGE Learning.
- Birk, J. C. (2017). *Norman Kings of Sicily and the Rise of the Anti-Islamic Critique: Baptized Sultans*. New York: Springer.
- Bistué, B. (2020). "La traducción colaborativa como práctica de escritura y modelo conceptual en el escritorio Alfonsí". *Boletín de Literatura Comparada*. 2(45): 113-128.
- Cuddon, J. A., Habib, R., Birchwood, M., Velickovic, V., Dines, M., & S. Fiske. (2014). *The Penguin Dictionary of Literary Terms and Literary Theory*. London-New York: Penguin Books.
- Espinar Moreno, M. (2020). *Libros del saber de Astronomía del rey D. Alfonso X de Castilla. Estudio preliminar de M. Espinar Moreno*. Madrid: Hilando Libros.
- Fernández-Ordóñez, I. (2004). "Alfonso X el Sabio en la historia del español". *Historia de la lengua española*. Barcelona: Ariel. 381-422.
- Guichard, P. & A. J. Torró. (2001). *Al-Andalus frente a la conquista cristiana: Los musulmanes de Valencia, siglos XI-XIII*. Madrid: Editorial Biblioteca Nueva.
- Gutas, D. (1998). *Greek thought, Arabic culture: the Graeco-Arabic translation movement in Baghdad and early 'Abbāsīd society (2nd-4th/8th-10th centuries)*. New York: Routledge.
- Haskins, C. H. (1933). *The Renaissance of the Twelfth Century, by Charles Homer Haskins*. Cambridge Mass: Harvard University Press.
- Ibn al-Qutiya, Muḥammad ibn 'Umar & D. James. (2011). *Early Islamic Spain: The history of Ibn al-Qutiya*. London: Routledge.

- Kritzeck, J. (1964). *Peter the Venerable and Islam*. Princeton N. J.: Princeton University Press.
- Larousse. (2011). *Larousse French dictionary: French-English, English-French*. Paris: Larousse.
- Le Goff, Jacques & M. B. De Bevoise. (2017). *Must We Divide History into Periods?*. New York: Columbia University Press.
- Le Goff, J. (2009). *The Birth of Europe: 400-1500*. Oxford: Blackwell Publishing.
- MacKay, A. (1999). *Spain in the middle ages: From the frontier to Empire; 1000-1500*. Houndmills: Macmillan.
- Manzano Moreno, E. (2013). "Qurtuba: algunas reflexiones críticas sobre el Califato de Córdoba y el mito de la convivencia". *Awraq*. 7: 225-246. <http://hdl.handle.net/10261/197220>
- Mikics, D. (2010). *A new handbook of literary terms*. London: Yale University Press.
- Minowa, Sh. (1990). *Book Publishing in A Societal Context: Japan and the West*. Tokyo: Scientific Societies Press.
- Molinini, D. (2009). "The First Sicilian School of Translators". *Nova tellus*. 27(1): 191-205.
- Pharies, D. A. (2015). *Breve historia de la lengua española: Segunda edición revisada*. Chicago: University of Chicago Press.
- Tejada, R. J. (1850). *Coleccion de Cánones y de todos los Concilios de la Iglesia de España y de America*. Madrid: Forgotten Books.